

نقش نهادها در تأمین و حفظ امنیت از دیدگاه امام خمینی

□ احترام سعادت فر

مقدمه

امنیت یکی از نیازهای اساسی و ضروری انسانهاست. انسانها همواره تلاش می کنند تا از راههای مختلف، امنیت و آرامش را در اجتماع خود ایجاد کنند. چرا که در سایه آرامش و امنیت است که پیشرفت و توسعه حاصل می شود و در یک جامعه امن است که افراد جامعه می توانند از آزادی های مشروع و قانونی خود برخوردار شوند. نگارنده مدعی است که با توجه به بیانات و آثار حضرت امام خمینی، نهادها در ایجاد و حفظ امنیت می توانند نقش مؤثری داشته باشند. در این پژوهش، برخی از نهادها مورد بررسی قرار می گیرد.

۱- حکومت

حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در یک جامعه نیازمند یک سازمان اجرایی تحت عنوان حکومت است. حکومت وسیله ای است که تحقق حاکمیت دولت در یک جامعه توسط آن صورت می پذیرد و این امر موجب تأمین امنیت عمومی در جامعه می شود. امام خمینی نوید حکومت اسلامی را با برقراری امنیت عمومی می دهند:



«امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال نصیب ملت محترم ایران شود.»^۱

امام بر لزوم تشکیل حکومت به منظور حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج، برقراری نظم و امنیت عمومی در هر جامعه‌ای تأکید دارد:

با توجه به اینکه حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان امری نکوهیده و ناپسند است و پرواضح است که حفظ نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت و وجود حاکم در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند.^۲

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی به شرح زیر است که هر کدام از محورهای زیر در صورت تحقق می‌تواند به ایجاد امنیت در جامعه منجر شود:

۱) لزوم نجات مردم مظلوم و محروم

دفاع از مظلومان و مستضعفان و تحقق عدل در جامعه تنها از طریق ایجاد دستگاه حکومتی، ممکن است. اگر نظامی نتواند محرومیت اقشار محروم جامعه را رفع نماید و در جهت رفاه و آسایش آنان اقدام کند زمینه‌های عدم ثبات جامعه را فراهم خواهد کرد. مبارزه با مظلومیت مظلومان از وظایف اصلی پیامبران و مصلحان بشری است. امام می‌فرماید:

«ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم»^۳

و نیز می‌فرماید:

«وظیفه علمای اسلام و همه مسلمانان است که به این وضع ظالمانه خاتمه بدهند؛ و در این راه، که راه سعادت صدها میلیون انسان است، حکومت‌های ظالم را سرنگون کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند.» (ولایت فقیه، ۳۸)

۲) ماهیت و کیفیت قوانین اسلام

در دیدگاه امام، کیفیت قوانین اسلامی به گونه‌ای است که خود عامل ایجاد یک نظام سیاسی و ساختار حکومتی است و در پرتو اجرای درست قوانین است که آرامش در جامعه برقرار

خواهد شد و نیازمندی‌های مردم بر طرف می‌گردد:

«دلیل دیگر بر لزوم تشکیل حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام (احکام شرع) است. ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است؛ اولاً، احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد، فراهم آمده است... ثانیاً با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.» (ولایت فقیه، ۲۹ - ۳۰)

۳) احکام دفاع ملی

از جمله احکام اسلامی که بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلاتی اسلامی میسر نیست، احکام دفاع ملی است. تقویت بنیه دفاعی کشور باعث می‌گردد که نظام‌های سلطه‌گر بیگانه را از تجاوز به کشور اسلامی بازدارد و به استقلال آن آسیب نرساند و این امر موجبات تحکیم منافع، مصالح و امنیت ملی جامعه می‌شود:

«از طرف دیگر، احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. مثلاً این حکم: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل». (انفال، ۶۰) که امر به تهیه و تدارک هرچه بیشتر نیرو مسلح و دفاعی به طور کلی است؛ و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش. هرگاه مسلمانان به این حکم عمل کرده و با تشکیل حکومت اسلامی به تدارکات وسیع پرداخته، به حال آماده باش کامل جنگی می‌بودند، مشتی یهودی جرئت نمی‌کردند سرزمینهای ما را اشغال کرده مسجد اقصای ما را خراب کنند... تمام اینها نتیجه این است که مسلمانان... تشکیل حکومت صالح و لایق نداده‌اند...» (ولایت فقیه، ۳۳ - ۳۴)

۴) نفی حکومت طاغوت

برپایی حکومت طاغوت که بر مبنای ظلم و ستم ایجاد می‌گردد این امر موجب نارضایتی قشرهای مختلف جامعه می‌شود و زمینه‌های رشد و تربیت مطلوب مردم را از بین می‌برد. بنابراین،



مهمترین رسالت پیامبران، فراهم کردن زمینه تعلیم و تربیت افراد جامعه و رشد استعدادهای آنان است و این رسالت تحقق نمی‌پذیرد مگر آنکه حاکمیت طاغوت از میان برداشته شود و به جای آن، مناسبات انسانی و نظام توحیدی برقرار گردد:

«شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومتها به همین صورت ضداسلامی، یا غیراسلامی، ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است: چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. همچنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش «طاغوت» است؛ و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت «طاغوت» و قدرتهای ناروا است.» (ولایت فقیه، ۳۵)

امام معتقد است که اگر حکومت فاسد و ظالم را سرنگون نکنیم، جامعه دچار فساد می‌شود؛ در نتیجه:

«در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مؤمن و متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند و برایمان و رفتار صالحش باقی بماند.» (همان)

در واقع می‌توان گفت که امام معتقد است که اگر حکومت فاسد و ظالم باشد در چنین جامعه‌ای انسان از امنیت اجتماعی، فرهنگی و... برخوردار نخواهد بود. بنابراین:

«ما چاره نداریم جز اینکه دستگاههای حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم...» (همان)

۵) لزوم حفظ وحدت

در اندیشه امام، وحدت مسلمانان از چنان جایگاهی برخوردار است که خود از عوامل ضرورت تشکیل حکومت است و وحدت تمامی گروههای مختلف جامعه به استمرار ثبات و نظم و امنیت در جامعه منجر می‌گردد:

«ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان بایستی حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم؛ و پس از آن، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است به



وجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است؛ چنانکه حضرت زهرا، سلام‌الله علیها، در خطبه خود می‌فرماید که امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است». (ولایت فقیه، ۳۶ - ۳۷)

۶) ضرورت حکومت جهت اجرای قانون

وجود حکومت به منظور برپاداشتن قوانین حافظ حقوق و حدود مردمان و تأمین امنیت همه‌جانبه و عدالت اجتماعی و اقتصادی و فراهم نمودن رفاه همگانی از ضروری‌ترین امور انسانی است. به طوری که امام در کتاب ولایت فقیه خود چنین می‌فرماید:

«مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم(ص) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت». (ولایت فقیه، ۲۵)

پس برای اینکه جامعه اصلاح بشود و امنیت و آرامش در جامعه برقرار شود لازم است که حکومت تشکیل شود تا قوانین در جامعه اجرا شود.

اهداف حکومت

مهمترین اهداف حکومت اسلامی عبارتند از: تحقق عدالت، امنیت، دیانت، رفاه و تربیت، امام در این باره چنین می‌فرماید:

«حضرت درباره اینکه چرا حاکم و فرمانده عهده‌دار کار حکومت شده، تصریح می‌کند که برای هدفهای عالی؛ برای اینکه حق را برقرار کند و باطل را از میان ببرد... برای این بود که اصول روشن دینت را بازگردانیم و به تحقق رسانیم، و اصلاح را در کشور پدید آوریم؛ تا در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ات ایمنی یابند؛ و قوانین تعطیل شده و بی‌اجرا مانده‌ات به اجرا درآید و برقرار گردد». (ولایت فقیه، ۵۵ - ۵۶)

و نیز ایشان می‌فرمایند:

«باتوجه به اینکه حفظ نظام جامعه از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خدا و خلق امری نکوهیده و ناپسند است، و پرواضح است که حفظ



□ امام بر محتوای حکومت اسلامی تأکید می‌ورزد اما تعیین شکل حکومت را تابع مقتضیات زمانی و مکانی می‌داند که بر اثر دگرگونی جوامع و پیشرفت تمدن قابل تغییر است و مردم نیز در آن نقش بسزایی دارند

□ «تک تک خانواده‌ها الان در مسائل سیاسی و اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می‌دانند که اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد این‌طور نیست که بی تفاوت باشند»

نظام و سد طریق اختلال، جز به استقرار حکومت اسلامی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد، لذا هیچ تردیدی در لزوم اقامه حکومت باقی نمی‌ماند. علاوه بر آنچه گفتیم، حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است. تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست»^۴

بنابراین امام خمینی از جمله اهداف اصلی استقرار حکومت اسلامی را حفظ نظام جامعه اسلامی، جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در میان امت اسلامی، حفظ حدود و ثغور کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و اجرای احکام الهی می‌داند.

نوع و محتوای حکومت می‌تواند در مشارکت مردم و همچنین امنیت و ثبات یک واحد سیاسی مؤثر واقع شود. امام بر محتوای حکومت اسلامی تأکید می‌ورزد اما تعیین شکل حکومت را تابع مقتضیات زمانی و مکانی می‌داند که دگرگونی جوامع بر حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر می‌باشد و مردم نیز بر تعیین آن نقش بسزایی دارند.^۵ و این امر می‌تواند به تأمین آرامش و رفاه و امنیت در جامعه بینجامد.

«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است منکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما، توسط خود مردم تعیین خواهد شد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۸)

امام بر این اعتقاد است که حکومت اسلامی با هیچ یک از انواع مختلف پادشاهی، امپراطوری و استبدادی و مشروطه سنخیتی ندارد به طوری که ایشان تصریح می‌فرماید:

«حکومت اسلامی هیچیک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست، که رئیس دولت، مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دلخواه دخل و تصرف کند؛ ... حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه «مشروطه» است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حکومت‌کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم(ص)، معین گشته است...» (ولایت فقیه، ۴۳)

همچنین در ساختار حکومت اسلامی، رهبری نظام با ویژگی‌هایی که قانون برایش مشخص کرده و وظایفی که برای او تعیین شده، در ایجاد و استمرار امنیت، نقش تأثیرگذار دارد. رهبری نظام با نقش نظارتی خود بر ارگانها و نهادها و نیز بر کارگزاران و عملکردهایشان، آنها را در انجام وظایف قانونی‌شان ملزم نموده و از انحرافات و خطاها برحذر می‌دارد و بدین طریق، جامعه و نظام را از فروغلتیدن در ناامنی بازداشته و ثبات و امنیت را برای حکومت و کشور به ارمغان می‌آورد. حضرت امام خمینی، در نظریه حکومتی خود، بحث ولایت فقیه را مطرح کرده‌اند که در واقع بیان‌کننده نوعی خاص از اداره جامعه است که از طریق آن حاکمیت در جامعه اسلامی تحقق پیدا کند. امام، ولایت فقیه را یک امر بديهی می‌داند که نیازی به اقامه برهان و دلیل ندارد، چنانکه می‌فرماید:

«ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می‌شود، و چندان به برهان احتیاج ندارد.» (ولایت فقیه، ص ۹)

«قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد، ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است... شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی‌خواهد به مردم زورگویی کند... ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود... نظارت کند بر همه دستگاهها.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۱ - ۳۰۸)

در حقیقت می‌توان گفت که بحث ولایت فقیه به عنوان یکی از نهادهای اساسی جمهوری اسلامی مطرح است. از جمله وظایف ولی فقیه که می‌تواند موجب رفاه و آسایش و امنیت افراد

جامعه شود، عبارتند از:

۱- حفظ کیان اسلام و نظام سیاسی اسلام؛ امام خمینی در این زمینه می‌فرماید:

«یک مطلوب در کار است و آن مطلوب همه شماهاست. و او حفظ جمهوری اسلامی که حفظ

اسلام است و حفظ کشور اسلامی [است].» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۴۱)

۲- حفظ تمامیت ارضی و استقلال و حیثیت جامعه اسلامی؛ یکی از بزرگترین اهداف تحقق

انقلاب اسلامی و نیز تشکیل حکومت در دیدگاه امام، حفظ تمامیت ارضی، هویت، استقلال،

امنیت و حیثیت جامعه اسلامی و مسلمانان در برابر اجانب و بیگانگان و نفی هر گونه وابستگی به

بیگانگان، پذیرش استعمار و نظایر آن می‌باشد. (اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، ۶۱۱)

۳- تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی در جامعه؛ می‌توان گفت یکی از دلایل تشکیل حکومت

در جامعه، تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی اعضای جامعه در تمام ابعاد زندگانی می‌باشد چه بدون

امنیت و رفاه، افراد جامعه نمی‌توانند استعدادهای خود را شکوفا ساخته در مسیر سازندگی جامعه

قرار گیرند و در این صورت امکان رشد و توسعه از جامعه سلب می‌گردد. (اندیشه‌های سیاسی امام خمینی،

۶۱۵)

به همین دلیل امام، نوید حکومت اسلامی را با امنیت عمومی می‌دهد:

«امید است در پرتو حکومت عدل و افراشته شدن پرچم اسلام، آزادی و امنیت و استقلال

نصیب ملت محترم ایران شود.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۱۸)

۲- خانواده

نهاد خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیات اجتماعی محسوب

می‌گردد به عنوان عامل واسطی است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروهها، سازمانها و مؤسسات

اجتماعی نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی و میراثهای فرهنگی به عهده دارد.^۷

امام خمینی، شروع تربیت فرزندان را از دامن مادران می‌داند و می‌فرماید:

«پرورش از دامن شما شروع می‌شود. دامن بانوان است که بچه‌های خوب را پرورش می‌دهد.

ممکن است که یک بچه‌ای که شما خوب تربیت بکنید، یک ملت را نجات بدهد. توجه داشته باشید که

بچه‌ها را خوب تحویل جامعه بدهید و آموزشتان با پرورش باشد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۹۸)

بنابراین از آنجایی که کودکان در آغوش مادران تربیت می‌شوند. مادران عزیز برای اینکه هم فرزندانشان از امنیت برخوردار باشند و هم اینان که در آینده مملکت را اداره می‌کنند، بتوانند امنیت کشور و جامعه را تأمین کنند. می‌بایست کودکان و جوانان را با اعتماد به نفس و مستقل و متکی به خود بار بیاورند. چرا که انسانهایی که از اعتماد به نفس و شخصیت مستقل برخوردارند، می‌توانند استقلال مملکت خویش را نیز از نظر سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... حفظ کنند و روحیه خودکفایی و خودگردانی و حفظ شرافت ملی را در ملت خود تقویت کنند و برعکس انسانهایی که اعتماد به نفس ندارند و وابسته به دیگران هستند. قادر نخواهند بود وطن خویش را از سلطه دیگران مصون بدارند. یکی دیگر از مسائلی که مادران می‌توانند در ایجاد آن در کودکان و جوانان نقش داشته باشند، اتحاد و وحدت است چرا که اتحاد و وحدت زیربنای امنیت است. خانواده‌ها می‌توانند مسئله وحدت را از داخل خانه شروع کنند و به بچه‌ها بیاموزند که بین اعضای خانواده باید وحدت باشد تا خانواده از امنیت بهتری برخوردار باشد. این را بچه‌ها می‌توانند عملاً در خانواده تمرین کنند. مثلاً بچه‌ها در خانواده بیاموزند که اگر با هم متحد شوند، کسی نمی‌تواند به آنان آسیبی برساند و آنان را اذیت کند. حضرت امام خمینی بارها در بیانات خود خطاب به جوانان می‌فرمودند که وحدت کلمه و اتحاد خود را حفظ کنید. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۳)

و معتقد بودند که اگر همه با هم متحد بشوند هیچ دولتی نمی‌تواند به آنها غلبه کند. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۸۴)

خانواده‌ها می‌توانند در تأمین امنیت عمومی نقش مؤثری داشته باشند. مثلاً می‌توانند از همان دوران کودکی به بچه‌ها بیاموزند که آداب عمومی اجتماعی را رعایت کنند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند و به حقوق دیگران احترام بگذارند. و همچنین، خانواده‌ها باید نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و نسبت به مسائل اسلامی بی‌تفاوت نباشند و نسبت به این مسائل توجه داشته باشند و فرزندان خود را نیز طوری پرورش دهند که آنان نیز نسبت به این مسائل توجه داشته باشند و در مسائل اجتماعی، سیاسی جامعه حضور داشته باشند. چرا که حضور در جامعه و مشارکت در مسائل اجتماعی و سیاسی، خود از عوامل امنیت‌زا می‌باشد. امام می‌فرماید:





«همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می‌دانند اگر یک مطالبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد این‌طور نیست که بی تفاوت باشند.»
(صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۶)

امام خطاب به خانواده‌ها می‌فرمایند که اگر می‌خواهید بچه‌ها را برای مملکت از هر لحاظ مفید باشند، آنان را تربیت اسلامی و انسانی کنید. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۹) و در واقع می‌توان چنین برداشت که با تربیت اسلامی و انسانی بچه‌ها، امنیت جامعه و خانواده‌ها به نوعی تأمین می‌شود. و همچنین امام خطاب به خانواده‌ها می‌فرمایند:

«... شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید؛ نگهبان، اولاد شما هستند، آنها را تربیت کنید. خانه‌های شما باید خانه تربیت اولاد باشد...» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۰۴)

۳- تعلیم و تربیت

از دیگر نهادهای مورد تأکید امام خمینی، نهاد آموزش و پرورش است. برای اینکه جامعه

در آرامش و امنیت باشد نیاز است که بسترهای لازم آن فراهم شود. از جمله اینکه جامعه از تعلیم و تربیت اصولی و درستی برخوردار باشد. امام همواره بر امر تعلیم و تربیت تأکید می‌کردند و معتقد بودند که تعلیم در کنار تربیت بایستی باشد و تربیت را بر تعلیم مقدم می‌دانستند. (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۵) و می‌فرمودند:

«صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود؛ علم را تحصیل می‌کنند لکن تقوا ندارند». (همان، ج ۲۱، ص ۵۹۷) و نیز می‌فرمودند:

«مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد، ...» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰)

می‌توان گفت تعلیم و تربیت درست و اصولی، می‌تواند کلید سعادت یک کشور باشد. از جمله نهادهایی که می‌تواند در امر تعلیم و تربیت نقش مؤثری داشته باشد، نهاد آموزش و پرورش است؛ زیرا بنا به نظر امام، تربیت فاسد و اخلاق نادرست یک دانش‌آموز، زمینه‌ساز تباهی کشور و انسان‌های آن است و معلم نیز در این امر شریک خواهد بود. (همان، ۳۴ - ۳۳) برای داشتن یک کشور آرام و باثبات و با امنیت، نیاز است که در کشور فرهنگ‌سازی شود. و آموزش و پرورش می‌تواند در این زمینه فرهنگ‌سازی کند. مسئولین آموزش و پرورش و معلمان عزیز، باید طوری برنامه‌ریزی‌های تربیتی بکنند که به جای یادگیری‌های ساکن، راکد و کلاس مدار به آموزش و پرورش‌های متنوع، پویا و عمل‌گرایانه توجه شده و کودکان، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله نکات مربوط به امنیت را حداقل یک بار در دوران تحصیل در جامعه با نظارت مربیان و ملزمان تجربه کنند. مثلاً برای حفظ امنیت ملی بسیج شوند و در کنار هم مانور اجرا نمایند. دانش‌آموزان باید به کرات آموزش ببینند که منافع عمومی و ملی و مصالح کلی جامعه را به بازی نگیرند و حاضر باشند برای حفظ حقوق دیگران و امنیت جامعه و کشور از خودگذشتگی کنند. بچه‌ها باید توجیه شوند که این‌گونه گذشت‌ها جدای از پاداش‌های معنوی، به نفع همگان است. بنابراین معلمان و دبیران بایستی تلاش کنند که با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مناسب در جامعه البته با کمک و همکاری سایر نهادها، مسئله امنیت‌خواهی را فرهنگ‌سازی کنند. امام خطاب به معلمان



می فرمایند:

«جوانها را مستقیم بار بیاورید، آدم بار بیاورید، اگر علاقه دارید به اینکه کشور شما، دین شما محفوظ بماند. این محفوظیت کلیدش دست شماست. کلید سعادت و شقاوت یک ملت، دست فرهنگی است... شما باید که می‌توانید یک مملکتی را به پیش برانید، هم معنویاتش را و هم مادیاتش را و شما باید که می‌توانید یک مملکتی را خدای نخواستہ به عقب برانید، هم معنویاتش را و هم مادیاتش را...» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۳۳)

و نیز می‌فرمایند:

«فرهنگها یک مسئله بسیار بزرگی در گردنشان هست و آن تربیت است، تربیت جوانهاست تربیت بچه‌هاست. این تربیت بچه‌ها اگر تحقق درست پیدا نکند که این بچه‌های کوچکی که تحت تربیت معلمین هستند، خوب تربیت بشوند، مملکت ما بعدها نجات پیدا می‌کند... ما باید کوشش کنیم که این مغزهای کوچولوی بچه‌ها را از حالا سالم بار بیاوریم تا بتوانند اینها بعدها دفاع کنند از کشورتان» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۰۱)

یکی دیگر از نهادهای آموزشی که می‌تواند جوانان را شجاع، مستقل و امنیت خواه بار بیاورد، دانشگاه است. امام از دانشگاهیان می‌خواهد که انسان متعهد و درست تربیت کنند تا کشور نجات پیدا کند و در امان باشد:

«شما دانشگاهیها کوشش کنید که انسان درست کنید اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا... اگر این انسان در دانشگاههای شما و ما تربیت شد مملکتان را نجات می‌دهد.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۶۷)

و همچنین امام از دانشگاهیان می‌خواهد که علاوه بر دانش به جوانان تهذیب اخلاق هم بیاموزند چرا که دانش بدون تهذیب اخلاق، امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد:

«آن کسی که دانش دارد لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و بر کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می‌کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش ممکن است که ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.» (همان، ص ۳۱۰)

و نیز می‌فرمایند:

«... دانشگاهها را مرکز تربیت قرار بدهید. علاوه بر دانش، تربیت لازم است، اگر یک

دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است، خیانت می‌کند و آن کسی که با علم خیانت بکند، با

دانشمندی خیانت بکند خطرش بیشتر از سایر مردم هست...» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۸)

اگر بخواهیم امنیت کشور حفظ شود باید نهادهای آموزشی از جمله دانشگاهها، جوانان را

افرادی شجاع و مستقل و خودکفا بار بیاورند. افرادی که بتوانند در مقابل غرب قیام کنند و در

مقابل استعمار ایستادگی. امام خطاب به جوانان اینگونه وصیت می‌کنند:

«وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که

خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت

خودشان مصون باشد»^۸.

امام معتقد بودند که دانشجویان وقتی از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شوند باید مستقل در فکر

باشند، مستقل در عمل باشند، تحت تأثیر گرایشهای غربی و شرقی نباشند. (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۱)

با توجه به بیانات امام و آثار ایشان می‌توان گفت که اگر دانشگاهها و مدارس اسلامی باشند

و جوانان را انسانی تربیت کنند در این صورت هم مملکت از تصرف بیگانگان مصون می‌ماند و

هم برای کشور پیشرفت حاصل می‌شود. رسانه‌های گروهی، از دیگر نهادهای مرتبط با تعلیم و

تربیت و شاید از تأثیرگذارترین آنها باشد آن‌گونه که به نظر امام، چنین رسانه‌هایی که دارای دامنه

و برد وسیعی بوده و برخی همچون رادیو و تلویزیون برای تمامی اقشار اعم از باسواد و بی‌سواد آن

قابل استفاده است، جایگاهی همپایه مربی، معلم و دانشگاهها را به دست آورده است. رسانه‌های

گروهی قادرند با برنامه‌ریزیهای دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و

رفتار آنان را به صورت دلخواه قالب‌ریزی نمایند. از سوی دیگر، کاهش روابط رو در رو و چهره

به چهره در جهان معاصر، موجبات تأثیرپذیری شدید مردم از رسانه‌های جمعی را فراهم آورده

است. رسانه‌های گروهی می‌توانند با ارائه برنامه‌ها و مطالب آموزنده و علمی، سطح افکار عمومی

را بالا برده و مردم را به حقوق و وظایفشان آگاه کنند و باعث تقویت روحیه امنیت‌خواهی در

مردم باشند. رسانه‌های گروهی به خصوص صدا و سیما از جمله نهادهای بسیار حساس و پراهمیت

است و اگر اصلاح نشوند قدرت آن را دارند که با محتوای گمراه‌کننده و ناسالم، مبدل به کانون

انشتار فساد و بی‌بندوباری و ناامنی گردند. امام در این زمینه می‌فرمایند:



□ «وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد»

□ «امروز نقش رادیو، تلویزیون از همه دستگاهها بالاتر است؛ اگر این اصلاح بشود یک کشور را می تواند اصلاح کند و اگر خدای نخواستہ انحراف در این باشد، یک کشور را می تواند منحرف کند»

«امروز نقش رادیو، تلویزیون از همه دستگاهها بالاتر است؛ اگر این اصلاح بشود، یک کشور را می تواند اصلاح کند و اگر خدای نخواستہ انحراف در این باشد، یک کشور را می تواند منحرف کند.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۱۸)

صدا و سیما می تواند از طریق ساخت و پخش برنامه های اخلاقی، مذهبی و همچنین برنامه های حماسی و از طریق آگاه کردن مردم از جهان اطراف خود و اطلاع رسانی دقیق و به موقع، نقش بسیار مهمی در ایجاد روحیه امنیت خواهی مردم، داشته باشد و در این زمینه می تواند فرهنگ سازی کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه علوم انسانی

۴- دین

اسلام دینی است که خداوند آن را برای رشد، تربیت و سعادت همه جانبه انسان و تأمین رفاه و امنیت اقشار مختلف جامعه جهانی فرستاده است تا با پاسخگویی به همه نیازهای بشری و اصلاح زندگانی آنان، چگونه زیستن را به آنها بیاموزد. از منظر امام، اسلام دین جامعه و کاملی است که برای تربیت و پیشرفت تمامی مراحل زندگی مادی و معنوی انسان دارای برنامه است:

«اسلام ... مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و

مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو



بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۲ - ۴۰۳)

در جای دیگر امام دیدگاه خود را مبنی بر اینکه اسلام، دین هدایت مردم جامعه به سوی رفاه و معنویت دنیا و آخرت است و این امر می‌تواند در آرامش و ثبات جامعه بسیار مؤثر واقع گردد چنین توضیح می‌دهند:

«اسلام برای شما و برای همه بشر و همه توده‌های عالم تحفه آورده است، تحفه همگانی و برای همه و در رأس برنامه‌های اسلامی هدایت است که شما را هدایت کند به راهی که هم دنیای شما تعمیر بشود و معمور باشد و هم آخرت شما» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۶۵)

و اسلام می‌خواهد با لحاظ کردن تمام ابعاد وجودی انسان، او را تربیت نماید:

«اسلام نه دعوتش بخصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد یعنی اسلام و قرآن کریم آمده است که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازند او را، تربیت کنند.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۸۴)

امام بر این اعتقاد است که علی‌رغم اینکه اسلام همه تلاش خود را در راستای تربیت انسانها و ساختن وی بکار می‌برد اما زمانی که بفهمد قابل تربیت نیستند و پیمان‌شکنی می‌کنند و با دشمنان اسلام بر علیه مسلمانان همکاری و توطئه می‌نمایند، اقدام به از بین بردن آنان می‌نماید:

«اسلام در عین حالی که تربیت است، یک مکتب تربیت است، لکن آن روزی که فهمید قابل تربیت نیست، هفتصد نفرشان را در یکجا، یهودی بنی قریظه را در حضور رسول‌الله می‌کشند، گردن می‌زنند به امر رسول‌الله» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۹)

از آنجایی که وجود معضلات و مشکلات جامعه می‌تواند به تشدید موارد غیرامنیتی نظام بیانجامد، امام حل مشکلات را از طریق روی آوردن به اسلام به منظور هدایت جامعه توصیه می‌نماید:

«ما معتقدیم تنها مکتبی که می‌تواند جامعه را هدایت کند و پیش‌برد اسلام است و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند و انسان‌گونه باید به اسلام روی بیاورد.» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۳۷)

اسلام برای رفاه و آسایش مردم و جامعه نقش به‌سزایی قائل است و یکی از عناصر عدم



امنیت و ثبات هر نظام سیاسی را ناشی از بی‌اعتنایی به رفاه جامعه می‌داند:

«اسلامی که تمام اقشار در آن به رفاه زندگی بکنند، اسلامی که همه آزاد باشند، اسلامی که استقلال را برای ما حفظ کند، اسلامی که طبقات ضعیف را برومند کند، اسلامی که طرفدار مستضعفین هست من به شما تبریک می‌گویم این اسلام را.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۳)

امام بستر اقتصاد اسلامی را در راستای برآورد و تأمین رفاه مردم می‌داند و در این زمینه می‌فرماید:

«اسلام... اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی، به نفع همگان، در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان، بارور می‌کند. و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید و در بعد نظامی، به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد. و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۴۳)

یکی از برنامه‌های اساسی حکومت اسلامی از دیدگاه امام، ایجاد رفاه اقشار مختلف جامعه می‌باشد تا زمینه‌ها و بسترهای مناسب رشد و تربیت و آسایش و ثبات جامعه فراهم گردد:

«برنامه دولت اسلامی آن است که همه بشر به سعادت برسند و همه در کنار هم بطور سلامت و رفاه زندگی کنند.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۷۲)

امام به زندگی به عنوان مبارزه در راه اهداف متعالی و نفی ستم‌پذیری و کسب عزت می‌نگرد. بنابراین زندگی عرصه مبارزه در جهت کمال مطلق است که بر دو پایه هجرت و جهاد قرار دارد، هجرت در همه وجوهش در راه حق و به سوی کمال الهی و جهاد همه‌جانبه و همیشگی در راه خداوند. این ویژگی اسلام باعث نهادینه شدن فرهنگی می‌شد که امنیت و آرامش را در جامعه تثبیت می‌کند بطوری که می‌فرماید:

زندگی یعنی آرمان و مبارزه در راه آن - انّ الحیاة عقیده و جهاد - مطلبی که از نظر شیوه تفکر اسلامی هیچ جای تردید در آن نیست، این است که مرگ از زندگی ذلت بار بهتر است. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۰۰)

امام همچنین بر این مسئله تأکید دارد که اسلام دینی است که از سوی پیامبر آورده شده است تا مستکبرین در روی زمین نباشد و نتواند که مستضعفین را استعمار و استثمار نماید و امنیت



و آرامش انسانها را به خطر افکند:

«اسلام برای همین مقصد آمده است و تعلیمات اسلام برای همین معناست که مستکبری در زمین نباشد و نتوانند مستکبرین، مستضعفین را استعمار و استثمار کنند. ما به تبع تعالیم عالیه قرآن و آنچه از اسلام و سیره رسول اکرم و... بدست آوردیم، آن است که مستضعفین با هم مجتمع شوند و بر مستکبرین ثوره کنند و نگذارند حقوق آنها را از بین ببرند.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۱۷)

امام بر این عقیده‌اند که اسلام دین طرفدار حق و عدالت و مبارزان ضداستعماری است و این امر باعث می‌گردد تا از نفوذ بیگانگان در مسائل داخلی کشور جلوگیری به عمل آورد و استقلال و امنیت ملی کشور حفظ گردد و مردم در آرامش به زندگی خود ادامه دهند:

«اسلام، دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند، دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضداستعمار است.» (ولایت فقیه، ۱۰)

«منطق اسلام این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید.» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۹۱)

اسلام در برابر زورگویان و دیکتاتوران می‌ایستد و این موضوع باعث می‌گردد در جامعه مناسبات سالمی برقرار گردد و آرامش و ثبات در آن ایجاد گردد:

«اسلام است که نمی‌گذارد اجانب بر مسلمین حکومت بکنند، اسلام است که جلوی ظلم را می‌گیرد، جلوی دیکتاتوری را می‌گیرد...» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۴۷)

همچنین در جایی دیگر اسلام را نجات‌دهنده مردم از اختناق می‌داند:

«اسلام است که شما را نجات می‌دهد...؛ از اختناق نجات می‌دهد. اسلام است که استقلال شما را بیمه می‌کند رو به اسلام بیاورید.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۱۹)

امام، معتقد است که اسلام در جهت تحقق وحدت جوامع مختلف و اقشار گوناگون جامعه گام برمی‌دارد و آنان را به رفع اختلافات خود فرامی‌خواند:

«اسلام یک دین آسمانی است که برای ارشاد ملتها و رفع اختلاف بین آنان و هدایت به کمالات انسانی و رفع ظلم و بیدادگری آمده است.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۲۹)

و در این راستا، امام خمینی معتقد است که اسلام همه را به وحدت و یگانگی دعوت می‌نماید. این امر می‌تواند زمینه‌های ثبات جامعه را تحکیم بخشد و پایه‌های تفرقه و پراکندگی را



از بین برد:

«اگر قطع ایادی دشمنان را می‌خواهید... اگر می‌خواهید که کشور مال خودتان باشد بیایید همه زیر پرچم اسلام «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» امر خدا را اطاعت کنید و از آنچه نهی فرموده است... صراط مستقیم اسلام است،... متفرق نشوید، گروه گروه نشوید.» (همان، ص ۱۶۷)

از آنجایی که یکی از عناصر تنش و ناامنی در یک جامعه امتیازات و تفاوت‌های غیرمنطقی بین انسانها و اقدام مختلف می‌تواند باشد، اسلام اینگونه امتیازات را از بین برده است. امام در این باره می‌فرماید:

در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و اشخاص غیرغنی و اشخاص سفید و سیاه، اشخاص مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم و ترک و غیرترک به هیچ وجه امتیاز ندارد. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است. امتیازات به مادیات نیست، امتیازات به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود و همه مردم مساوی هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آنها داده شده می‌شود و... (صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۱)

از مطالب فوق چنین برداشت می‌شود که:

- ۱- از دیدگاه امام، وحدت و یکپارچگی اقشار مختلف، زمینه ثبات و امنیت را در جامعه فراهم می‌کند و اسلام، امتیاز و تبعیض بین اقشار مختلف را نفی می‌کند.
- ۲- اسلام با سلطه بیگانگان بر مسلمانان مخالف بوده و در مقابل زورگویی و دیکتاتوری می‌ایستد و با ظلم مقابله می‌کند و مردم را از اختناق رها می‌سازد.
- ۳- از برنامه‌های حکومت اسلامی، فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای رشد و تربیت انسانها و رساندن آنها به سعادت و مبارزه با فساد که از علل ایجاد ناامنی است، می‌باشد.
- ۴- اسلام برای رفاه و آسایش مردم و جامعه، نقش بسزایی قائل بوده و آن را یکی از عناصر امنیت نظام می‌داند و اسلام در جنبه هدایت جامعه به سوی رفاه و معنویت در دنیا و آخرت توجه کرده است.

جمع‌بندی

در این پژوهش، نقش برخی از نهادها در تأمین و حفظ امنیت مورد بررسی قرار گرفت. نهادی چون حکومت که امام بر لزوم تشکیل حکومت به منظور حفظ نظام جامعه و جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج، برقراری نظم و امنیت عمومی در هر جامعه‌ای تأکید دارد.

دومین نهادی که مطرح شد، نهاد خانواده، والدین، بخصوص مادران که می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند. آنان می‌توانند اعتماد به نفس، روحیه خودکفایی، وحدت و متحد بودن و مستقل بودن را از همان دوران طفولیت در بچه‌ها ایجاد کنند. چرا که جوانی که از اعتماد به نفس برخوردار باشد و دارای روحیه خودکفایی باشد و بداند اتحاد یعنی چه و چه اثراتی دارد، مسلماً چنین فردی می‌تواند هم امنیت خود و هم امنیت جامعه را به نحو مطلوبی تأمین کند. خانواده‌ها می‌توانند بچه‌ها را طوری تربیت کنند که نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود توجه داشته باشند و در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی مشارکت داشته باشند. چرا که مشارکت افراد در جامعه، خود از عوامل امنیت‌زا می‌باشد.

در ادامه، تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار داده شد. از جمله نهادهایی که می‌توانند در امر تعلیم و تربیت نقش مؤثری داشته باشد، نهاد آموزش و پرورش است. مسئولین آموزش و پرورش و معلم‌ها باید طوری برنامه‌ریزی‌های تربیتی بکنند که به جای یادگیری‌های ساکن و راکد به آموزش و پرورش‌های متنوع، پویا و عمل‌گرایانه توجه شده و کودکان، بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی و از جمله، نکات مربوط به امنیت را حداقل یکبار در دوران تحصیل با نظارت معلمان تجربه کنند. و دانش‌آموزان باید به کرات آموزش ببینند که منافع عمومی و ملی و مصالح کلی جامعه را به بازی نگیرند و حاضر باشند برای حفظ حقوق دیگران و امنیت جامعه از خودگذشتگی کنند. همچنین دانشگاه‌ها می‌توانند جوانان را افرادی شجاع، مستقل، خودباور و امنیت‌خواه بار بیاورند. امام در سخنان خود از دانشگاهیان می‌خواهد که سعی کنند جوانان را درست تربیت کنند تا کشور نجات پیدا کند و تا کشور از دست اجانب و بیگانگان محفوظ بماند. در ادامه بحث، نقش رسانه‌های گروهی در ایجاد روحیه امنیت‌خواهی در افراد جامعه بررسی شد. رسانه‌های گروهی،



قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به صورت دلخواه قالب‌ریزی نمایند. در واقع می‌توان گفت که رسانه‌های گروهی می‌توانند با ارائه برنامه‌ها و مطالب آموزنده و علمی، سطح افکار عمومی را بالا برده و مردم را به حقوق و وظایفشان آگاه کنند و باعث تقویت روحیه امنیت‌خواهی در مردم باشند.

و چهارمین نهادی که مورد بررسی قرار گرفت، نهاد دین است. امام بر این باور است که دین اسلام، دینی است که برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و برای آرامش و ثبات و امنیت انسانها راهکارهایی را ارائه کرده است. مثلاً اسلام با سلطه بیگانگان بر مسلمانان مخالف بوده و در مقابل زورگویی و دیکتاتوری می‌ایستد و با ظلم مقابله می‌کند و با فساد که از علل ایجاد ناامنی است مبارزه می‌کند. اسلام، امتیاز و تبعیض بین اقشار مختلف را نفی می‌کند و بر وحدت و یکپارچگی که زیر بنای امنیت است تأکید می‌کند. دین اسلام برای نهادهایی چون خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت دستوراتی دارد که اگر به آن آموزه‌ها و دستورات عمل بشود مطمئناً این نهادها می‌توانند در ایجاد و حفظ امنیت مؤثر باشند. نهایتاً اینکه نهاد دین در معنای گسترده آن، زیربنای تمامی نهادهای یک جامعه اسلامی است که عهده‌دار پاسخگویی به همه نیازهای انسان و جامعه است.

پی‌نوشتها:

۱. صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵، ص ۵۱۸.
۲. البیع، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲، ص ۶۱۹.
۳. روح‌الله خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی) چاپ سیزدهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۷.
۴. محسن شیخ‌السلامی، «حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۲، سال ۱۳۷۸، ص ۲۷ - ۲۸ و همچنین رک به: شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۳.
۵. رک: محمدحسین جمشیدی، «ویژگی حکومت‌های مطلوب از منظر امام خمینی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۴.
۶. رک: محمدحسین جمشیدی، اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۷. معصومه زارعی، اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱۳۸۳، ص ۲۵.
۸. متن وصیت‌نامه، ص ۶۱.